٢٤٢٩

بسم الله الرحمن الرحیم

در بیان شرایط وضوست و آن چند چیز است اول آنکه آب
دویم مطلق بودن آب سیم پاک بودن آب چهارم پاک
بودن موضع وضو پنجم وسعت داشتن وقت از برای وضو
و نماز بتفصیلی که در مقامش مذکور است ششم قدرت بر استعمال
آب شرعا باین معنی که ضرر متعدی در شریعت بر او مترتب نشود و آن
استعمال حرام نباشد شرعا مثل غصب هفتم اجراء وضو بر العلم شرعی
بداند هشتم باید که از روی تعقل باشد نهم قصد باید قربت باشد دهم
باید جز از غیر قربت زائد بر ضم نکند یازدهم بودن تقرب
تقرب بجای آن وضوی اند دهم زیاد نکردن اجزاء وضو دیگر آن

آن مطلب اگرچه صحت دارد ولیکن خلاف فایده علیه است سیزدهم
استمرار قصد قربت معیّن الیه تا بالفعل یا آخر وضو چهاردهم
تنجیز در قصد قربت باشد پانزدهم اباحه مکان وضو علما الاحتیاط
و فتوی بر جواز است بتفصیلیکه در جای خود مذکور است شانزدهم
در نظر داشتن غایتی از غایات در اجزاء وضو است یا از اجزاء
آن رو شستن است و آن چند جزء دارد اول جاری ساختن
آب در حال اختیار از رستنگاه مو تا طرف ذقن در طول
و در عرض آنقدر که انگشت ابهام و وسطی برسد و این حد
حد در مستوی الخلقه است اما غیر ایشان پس رجوع بایشان میکنند
و آنچه جزء باشکال وانیست دوم شستن از اعلا باسفل که شروع کردن
باعلا کفایت میکند سیم رساندن آب به بشره اگر ظاهر باشد
در جمیع اوقات یا بعض اوقات و موهای تنک آنقدر که
از حد مذکور خارج نیست و اما شستن سطح ظاهر مو کافی است

دوم از اجزاء وضو بار دو شستن است و در آن نیز چند جزء است
اول جاری ساختن آب است از مرفق تا سر انگشتان که نقض مرفق
نیز داخل باشد در حال اختیار و دوم جریان کافی است سیم شستن از
اعلا باسفل که شروع کردن تا آن حاصل شود سیم رسانیدن آب به بشره
و موئیکه از دست مخصوص منتهی سیم از اجزاء وضو مسح سر است و آن
نیز چند جزء دارد اول باید پیش سر باشد و دوم مسمی کافی است سیم از اعلا
باسفل سیم تر شدن محل چهارم رسانیدن تری بموی است یا اتصال آن
اگر موئی باشد و الا بر موئیکه مخصوص محل است که بعد از حد خارج نشود
چهارم از اجزاء وضو مسح پشت پاهاست از سر انگشتان تا کعب که
نقض کعب نیز داخل باشد و در عرض مسمی کافی است و در آن نیز چند
جزء است اول رسانیدن تری بظاهر آن بدون حایل دوم متاثر
شدن محل سیم از سر انگشتان بقبه رفتن استحبابا پنجم از اجزاء
وضو ترتیب است بنحویکه اول رو را بشوید دوم بازوی راست سیم

بازوی چپ را چهارم مسح سر را بجا آرد پنجم مسح پای راست را ششم
مسح پای چپ را بجا آرد ششم از اجزاء وضو موالات است یعنی می‌باید که
باید پیش از آنکه خشک شود همه اعضای سابق شروع در لاحق کند
بدانکه واجب است مباشرت در وضو در حال اختیار کلا یا بعضا
و دو واجب است که مسح سر و پاها به تری وضو باشد و دو واجب است که بکف
دستها باشد و بودن این سه چیز جزو وضو شرط آن تامل است
اگر به نیت مطلق نیت بجا آورد کافی است و همچنین حال نیت
خروج در عبادات کلش مبطلات وضو چند چیز است اول خروج بول دوم
غایط سیم خوابی که بر چشم و گوش غالب گردد چهارم مستی پنجم بیهوشی
ششم دیوانگی هفتم بیرون آمدن باد از موضع معتاد هشتم استحاضه
کثیره و قلیله و متوسطه نهم جنابت خواه به انزال باشد یا بغیر
ادخال قدر حشفه یا نفس حشفه دهم حیض یازدهم نفاس دوازدهم
مس میت قبل از غسل مثل شرایط وضوست اجزاء غسل ترتیبی

اول شستن سر و گردن است و در آن چند جزء است اول مالیدن
آب به بشره مطلقا دوم جریان در حال اختیار جزء دوم شستن
پهلوی راست است و جزء آن متعدد است جزء سیم شستن پهلوی
چپ یکی جزء چهارم ترتیب بنحو مذکور بدانکه ترتیب در نفس غسل
ثلثه غسل در نیت است وجوبا باین معنی که ابتداء با اعلی کند
و باغسل نماید لیکن احوط است دست کشیدن و شستن موی لازم نیست
مگر من باب المقدمه لکن احوط شستن موست شرایط تیمم اول
اسبابیکه در بحث تفصیل مذکور است دوم طهارت محل ضرب
به تفصیل مذکور در مقام سیم طهارت خاک یک چهارم سایر
شرایط تیمم مثل شرایط وضوست اجزاء تیمم و آن چند جزء است
اول ضرب دو دست و در آن چند جزء است اول بودن ضرب
بدو دست پس یکدست کافی نیست دوم بودن ضرب دو دست باهم
دفعه واحده عرفیه سیم وقوع ضرب بر آنچه زمین صدق کند

[illegible]

مثل ترب و سنگ و نحو آن بدون حایل چهارم بودن ضرب
بقوت پنجم بودن آن هر دو دست در حال اختیار ششم بهم کردن ضرب بباطن
دستها حین زدن هفتم بودن ضرب بمجموع باطن دستها هشتم
رسیدن مجموع باطن دستها جانه تقدیرا دویم مسح پیشانی
و در آن نیز چند چیز است اول مسح تمام پیشانی است از رستنگاه
مو تا بطرف اعلی بینی و زاید بر این لازم نیست علی الاقوی و
واحوط او قال جبین و حاجبین است دویم بودن مسح بباطن
کف سیم بودن مسح از اعلی باسفل چهارم استیعاب ممسوح بماسح
پنجم مراعات کردن معیت مسح بدو دست ششم رسیدن ماسح
به بشره پیشانی بدون حایل هفتم بودن آن بهر دو دست سیم
مسح پشت دست راست و در آن نیز چند چیز است اول
از زند تا بطرف انگشتان دویم استیعاب عرضی ممسوح به ماسح
سیم واقع شدن مسح به بشره دست چهارم بودن مسح بکف دست

چپ بر حال خشهار پنجم وقوع مسح بر پشت دست راست
ششم بودن آن از زند تا اطراف انگشتان دون عکس
چهارم مسح پشت دست چپ لنگ پنجم ترتیب در اجزاء بنحو مذکور
ششم موالات عرفیه است هفتم مباشرت بنفسه و در اینجا اگر
همین قدر قصد کند که این فعل از من مطلوب است دون غیر و من
این را از برای خدا بجا میآورم کافی است ان شاء الله موانع
اول وجود آب با تمکن بر استعمال آن نه الحال شرعا و دیگر موانع
مثل موانع وضو است شرایط نماز اول طهارت از حدث
دوم طهارت بدن از خبث مگر آنچه در ریکه بخشیده شد سوم طهارت
لباس از خبث لنگ چهارم اباحه لباس پنجم اباحه مکان ششم
طهارت موضع مماس بر جبهه مطلق و مانع اگر متعدیه است و ان اقوا
هفتم ستر عورت هشتم دخول وقت هر یک از نمازها و موقت
آن بنام استقبال قبله و موقت آن دهم بودن سجده بجای مسجود.

یازدهم معرفت اجزاء نماز بعلم شرعی دوازدهم نبودن لباس از اجزاء
حیوان حرام گوشت سیزدهم همراه نداشتن چیزی از اجزاء حیوان
حرام گوشت را بتفصیل مذکور در جایش چهاردهم حریر نبودن
لباس مردان و زری نبودن آن کان بتفصیلی که در جایش
مذکور است پانزدهم نبودن لباس از پوست مردار و جز آن که
شانزدهم بودن عمد از روی قصد فعل معین هفدهم بودن
بدون ۴۹ داعی قصد قربت و بس هیجدهم تقرب تعرب باهمین نماز
نوزدهم کم و زیاد نکردن اجزاء نماز و اجزاء اجزاء نماز
بیستم بودن قصد قربة بتنجیز نه تعلیق میت و بکم بیستم از قصد
و ما بعد آن اجزاء نماز اول تکبیرة الاحرام است و در آن چند چیز
فرض است اول ترتیب میان حروف و کلمات دوم موالات
میان حروف و کلمات سیم ادا شدن حروف از مخرج چهارم
حفظ خواندن پنجم عربیة صحیحه بنحوی که مراعات اعراب و تشدید

دهم آنکه از لوازم شود و فارسی و زبان دیگر نباشد ششم
تلفظ بنحویکه خود بشنود که امتیاز بیابد از حدیث نفس هفتم
صورت معروفه و جزء مستحبست نماز و در مقام چند چیزست اول
شش تکبیر قبل از تکبیرة الاحرام و تاخیر و تلفیق نیز جایزست
دویم ادعیه ماثوره با این تکبیرات دویم قیام است و در آن نیز
چند چیز جزوست اول استقلال بنحویکه اگر آن چیزها را بردارند
نیفتد دویم استقرار سیم اعتماد بهر دو پا چهارم انتصاب بنحویکه
فقرات پشت راست باشند پنجم ایستادن بنحو متعارف و این
قیام در چند موضع جزء واجب نمازست اول بقدر تکبیرة الاحرام
رکن است دویم بقدر قرائت حمد و سوره واجبست سیم متصل
برکوع رکن است چهارم بعد از رکوع واجب و در چند موضع جزء
مستحبست اول در استعاذه دویم در سؤال کردن از رحمت
خدا در باب حمد و سوره سیم در قنوت چهارم در سجده اگر در حال

بجا نمیه در قیام که لازم است بعضی باید پنجم در تکبیرة افتتاح
ششم در تکبیر قبل از رکوع این قیام واجب است از جهتی و مستحب است
از جهت دیگر هفتم در تکبیر قبل از سجده پایین هشتم در تکبیر قبل از
قنوت نهم در ادعیه تکبیرات افتتاح سیم قرائت حمد و سوره ادا
و در آن نیز چند چیز واجب است اول مراعات مد متصل دوم
وقف بسکون و وصل بحرکت یا بسکون باین معنی که عربیه
صحیحه که مشترک میان ثلثه است جزئت سیم جهر و اخفات
در جهریه و اخفاتیه از برای مردان و از برای زنان بلفظ بنحو
مذکور چهارم ترتیب میان آیات شان پنجم ترتیب میان
خود شان ششم موالات میان آیات شان هفتم مراعات
جزم
نظم و ما بقی تجنه در تکبیره بود اینجا نیز هست و اجزاء مستحبه
نماز در هر مقام چند چیز است اول استعاذه قبل از ابتدا آن در رکعت
اول دوم مراعات کردن محسنات قرائت که لازم نیست

ثابت

بدانکه در رکعت سیم و چهارم تخییر شرعی میان حمد و تسبیح اربعه و ثانیا

مثل اول است در اجزاء الا آنکه بعلت انتفاء آن چهارم رکوع است

و دران نیز چند چیز جزء است هرچه در قیام بود الا انتصاب که اکتفا

بقدری که سر انگشتان بزانوها برسد جزء است و اجزاء واجبه نماز

درین مقام سوی مذکور است چند چیز است اول بودن استقرار بقدر

ذکر واجب دویم ذکر مخصوص که تسبیح صغیر سه دفعه و کبیر یکدفعه

و میان شان تخییر شرعی ثابت است و درین ذکر چیز است هرچه

در تکبیر بود سیم رفع راس تا که انتصاب برسد چهارم قیام بعد

از انتصاب پنجم طمأنینه در قیام بود از انتصاب و بعضی گفته اند و جز

درین قیام آنچه در قیام گذشت و اجزاء مستحبه نماز درین مقام

چند چیز است اول صلواة بر پیغمبر و آلش در رکوع دویم ذکر علاوه

بر قدر واجب سیم تکبیر قبل از آن چهارم سمع الله لمن حمده پنجم وضع یدین

بر رکبه ششم خم شدن تا آنکه قدری بیش از رخصت کف بزانوها برسد

برسد

و مستحبات در این مقام بسیار است که در رسائل مسطور است پنجم سجود است و در آن
نیز چند چیز واجب است اول گذاشتن هفت موضع که جبهه و دو کف و دو زانو
و دو سر انگشتان ابهام پا باشد بر زمین و نحو آن دوم اعتماد و تکیه
کردن بر اعضای معروفه سیم آرام گرفتن چهارم بودن آرامی بقدر ذکر
واجب پنجم گذاشتن جبهه بما یصح السجود علیه ششم بودن سجده بر مسجدیکه از
موقف بقدر چهار انگشت مضمومه زیادتر نباشد هفتم ذکر صغیره دفعه
دیگر یکدفعه مثل ذکر رکوع است مگر اینکه در آنجا سبحان ربی العظیم و بحمده است
و اینجا سبحان ربی الاعلی و بحمده است و بعد از سجده چند چیز واجب است اول رفع رأس
تا بحدیکه راست بنشیند دوم نشستن بعد از رفع سیم طمانینه و مستحبات
و درین قعود چیزیست آنچه در قعود می‌آید و اجزاء مستحبه درین مقام چند چیز است
اول صلوات بر پیغمبر و آلش خواه قبل از ذکر باشد یا بعد از آن دوم ذکر علاوه
بر قدر واجب سیم استغفار مابین سجدتین چهارم تکبیر قبل از سجده اولی
پنجم تکبیر بعد از سجده اولی ششم تکبیر قبل از سجده ثانیه هفتم تکبیر بعد از سجده ثانیه

وسایر مستحبات در جائی مسطور است ششم تشهد است و در آن نیز چند چیز واجب
اول نشستن و در آن جز است تحیه در قعود می باید چنین شهادتین که اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله باشد
و مطلق شهادتین کافی نیست سیم صلوة بر پیغمبر و آلش بعد صیغه که تا چهارم
جزء است در صلوة و شهادتین تحیه در حمد و سوره جز لیه الآمد لیکه شفا
آن جز یعنی نماز در بیعقام ادعیه تشهد که قبل از آن و بعد از آن وارد شده
وسایر تحیه در جائی ذکر شده هفتم سلام است و در آن نیز چند چیز واجب
اول نشستن بعد از تشهد چهارم السلام علینا و علی عباد الله الصالحین یا السلام علیکم
تخییر است میان سیم تحیه در تکبیر جز بود اینجا نیز هست جز مستحبی نماز در بیعقام سلام
مستحب است و السلام [illegible] تا آخر آن جز است و افعال بدین
مستحب است اما قنوت پس از تکبیرة الاحرام بجهد بندارد دو کلمه از حمد و سوره وار سوره
هر رکوع و قنوت و در ذکر و حب رکوع قرائت لازم دارد و حب مستحب قرائت
احوط و میان کلمات مستحب قرائت احوط در قراءة مستحب ذکر رکوع قرائت ذکر بجود

تمد لازم نیست و در میان حمد و سوره لازم نیست و در نفس ...

بدانکه از اول تکبیرة الاحرام تا آخر سلام موالات صلوتیه که عبارتست از هیئة اتصالیه
معتبره میان اجزاء لازم و جزو صلوتست و قطع آن باعث بطلان نماز می‌شود و اما موا
لات واجبه در حمد و سوره بان معنیکه در مقامش مسطور شد پس گوییم که رعایت
آن در تکبیرة الاحرام لازم است و هم چنین است سایر تکبیرات افتتاحیه و مراعات
آن در میان این تکبیرات در وقتیکه در عاقبت خوانند و اولی و احوط و در میان تکبیر و
استعاذه لازم نیست و در نفس استعاذه رعایت آن احوطست اگرچه
بلزوم نشویم و از استعاذه به بسمله لازم نیست و از بسمله تا آخر سوره رعایت
آن لازم است و در میان سوره و تکبیر رکوع لازم نیست و در نفس تکبیره لازم نیست
و از تکبیر برکوع و ذکر آن لازم نیست و در تسبیح واحده کبیره رعایت آن
احتیاط است بلکه ظاهر آنست لازم باشد و از واجبه بمستحبه و از مستحبه بمستحبه
و در نفس مستحبه رعایت آن احتیاط است و در تسبیحه صغیره البته مراعات
نمود و احتیاط رعایت آن است در نفس مستحبات صغیره و در میان واجبه
و مستحبه و میان مستحبات و از اذکار رکوع بصلوات لزومی ندارد و در
میان اینها در نفس صلوات احوط است و از صلوات برفع راس لزومی ندارد
بلکه آن تکبیره و سایر تکبیرات مستحبه حکم تکبیرة الاحرام است و از تکبیر سجود

لزومی ندارد و حکم اذکار سجود حکم اذکار رکوع است و از سجود به تکبیره
لزومی ندارد و هم چنین است از تکبیره باستغفار و از استغفار به تکبیره
و از تکبیره بسجود دیگر و در نفس استغفار رعایتش اولی و احوط است
و از سجود ثانی به تکبیره لازم نیست و از تکبیره به تشهد لزومی ندارد
و در تشهد از واجبات و مستحبات و نفس فقرات میان
فقرات رعایتش احوط است پس از الحمد لله تا ورفع درجته
اگر مراعات کند و از سجود تا به تشهد یا بقیام لزومی ندارد
و در نفس تسبیحات اربعه و میان فقرات اگر رعایت آن
کمال احتیاط است و از آنها باستغفار لزومی ندارد و در
نفس استغفار احوط و در نفس سلام واجب رعایتش احوط است
بلکه او را نیست که لازم باشد و هم چنین اسلام مستحب و از سلام واجب
بسلام مستحب و از مستحب بواجب لزومی ندارد و در قنوت لزومی ندارد
مگر ذکر مروی مثل کلمات فرج و نحو آن که مراعات آن در آنها اولی
و احوط است و ظاهر آن نیست که اذکار مروی در سجود مثل اللهم لک سجدت
یملک اللہ اکبر الی آخر مثل کلمات فرج است اما قعود واجب

لا عما ... الى ... بتمامها

...

نماز دیگر رکوع است در هر یک از فقرات تشهد قربتی لازم دارد فقره بفقره

قربت احوط میان کلمات سلام واجبه قربتی لازم و در کلمات مستحب در

تسبیحات اربعه در هر یک از کلمات آن قربتی لازم و در میان فقرات قربتی فقرات

احوط از سلام واجب سلام مستحب و از تشهد تا جنب یا بی نقط قعود واجب و مستحب

در آن چند چیز حرام است اول استقلال بنحوی که اگر آن چیز را بردارند بیفتند

دوم استقرار سیم انتصاب چهارم نشستن که صدق عرفی داشته باشد که

قعود در چند جا جزء مستحب نماز است اول در تکبیر بعد از سجده اول اگر در

حال قعود واجب بعمل نیاید دوم در حال استغفار سیم در تکبیر قبل از سجده ثانی

چهارم در ادعیه تشهد که مستحب است پنجم در سلام مستحب افعال مستحبه

در نماز و آن چند چیز است اول رفع یدین در تکبیرات دوم رفع آن

تا به نرمه گوش بنحوی که در مقابلش ذکر شد سیم رفع یدین در قنوت چهارم

نگاه داشتن یدین بطریقیکه انگشتها بسمت آسمان و پشت دستها

بسمت زمین باشد و متوجه رو باشد پنجم بودن نظرش در کل قیام بمسجد

ششم بودن نظرش در حال رکوع بمیان دو پایش هفتم بودن نظرش در حال

سجود بطرف بینیش هشتم بودن نظرش در حال جلوس در تشهد بکنار

نهم بودن نظرش در حال قنوت بمسجد یا بکف دستها دهم وضع یدین

در جلوس و تشهد بر رانها بسمت قبله یازدهم وضع یدین در حال
بر رانها بسمت قبله دوازدهم وضع یدین بر زمین برابر رو بسمت
قبله در سجود سیزدهم تورک در جلوس مستحبات نماز بسیار است که در حاشیه
مذکور شد مقدمات صرفه نماز یعنی چیزها که مقدمه اند از برای چیز دیگر
و خود شان مطلوب نیستند و آن چند چیز است اول قیام قبل از تکبیره الاحرام
تا علم بهم رسد که تکبیر در قیام واقع شده دویم هوی از برای رکوع سیم هوی
از برای سجود چهارم هوی از برای سجده ثانیه پنجم رفع راس از رکوع بهمان نماز
آیات غیر از پنجم و دهم ششم رفع راس از سجده ثانیه هفتم نهوض از برای رکعت
بعد از آن هشتم فرود آوردن دستها بعد از رفع در تکبیرات از برای چیزیکه
بعد از آن است مقدمات غیر صرفه یعنی چیزها که خود شان او هم مطلوب اند
و شرط افراد مطلوبه دیگر اند و آن چند چیز است اول قیام در حال تکبیره
الاحرام و سایر تکبیرات افتتاحیه دویم قیام در حال حمد و سوره و مستحبات آن
سیم بودن بحالت رکوع و طمانینه در آن تا بذکر واجب و مستحبات
آن چهارم بودن بحالت قیام و طمانینه در آن از برای سمعله و تکبیر آن
پنجم بودن بحالت سجود و طمانینه در آن از برای ذکر واجب و مستحبات ششم
بودن بحالت جلوس میان دو سجده و طمانینه در آن از برای استغفار

هفتم

هفتم قعود در حال تشهد و سلام از برای تشهد و سلام و مستحبات آنها

هشتم قیام در حال تکبیر قبل از رکوع نهم قیام در حال تکبیر قبل از سجدتین

دهم قعود در حال تکبیر بعد از سجده اول یازدهم قعود در حال تکبیر قبل از

سجده ثانی دوازدهم قعود در حال تکبیر بعد از سجده ثانی مجملا هر حالتی که

از نماز مثل ایستادن و نشستن و بودن بر حالت رکوع و نحو آن که در آن

واجبات و مستحبات ادا میشود نسبت با آنها شرط صحت میباشند و در حال واجب

واجب و مستحب اند موانع نماز و آن چند چیز است اول نواقض طهارت

دوم اخلال با جزء واجبه غیر رکنی عمدا یا زیاد کردن آن عمدا سیم اخلال

با جزء واجبه رکنی عمدا و سهوا و کم و زیاد کردن آن چهارم اخلال بطهارات

ثلثه عمدا و سهوا پنجم تکفیر عمدا دون سهو ششم تکلم بدو حرف یا زیاده که

خارج از نماز باشد عمدا دون سهو و تکلم بیک حرف مفهم معنی نیز مبطل است

مثل ق هفتم پشت با قبله عمدا اما سهوا اگر باعث این بشود که تمام بدن

از قبله برگردد ضرر ندارد و الا حکمش در مبحث قبله است هشتم فعل کثیر

عمدا یا سهوا اگر ماحی است صورت نماز را و الا صح نهم قهقهه عمدا اما سهوا

اگر فراموش کند که نماز است صحیح و اگر حکم را فراموش کند ظاهر فساد است دهم گریستن

از برای امور دنیوی عمدا مطلقا خواه با آواز باشد یا نه دون سهو یازدهم خوردن

و آشامیدن مبطل است عمدا اما سهوا اگر ماحی صورت است مفسد و الا فلا تمام شد

٤
٢٤٢٩